

هزار سؤال بی‌جواب

ایمان گودرزی

خبرنگار

هر چند هنوز فدراسیون فوتبال به‌صورت شفاف اعلام نکرده که قصدی برای تمدید قرارداد با کی‌روش ندارد، اما در هر حال پست کی‌روش نشان می‌دهد که او دیگر گزینه فدراسیون فوتبال برای تمدید قرارداد نیست. اما داستان از چه قرار است و چه تصمیمی قرار است گرفته شود؟

آیا جایگزین کی‌روش یک سرمربی داخلی است یا خارجی؟ اگر سرمربی داخلی مد نظر است آیا انتخاب مربیان شاغل در لیگ برتر به‌عنوان گزینه سرمربیگری تیم ملی منتفی شده است یا اینکه ممکن است یک مربی شاغل در لیگ برای تیم ملی انتخاب شود؟ گزینه خارجی که این روزها بیشتر از همه اسمش به گوش می‌رسد پاکو خمس سرمربی موفق این روزهای تراکتور است اما در روزهای گذشته

این ادعا توسط یکی از مسئولان فدراسیون فوتبال رد شده است. اگر

گزینه خمس منتفی شود باید دید گزینه همچنان خارجی خواهد بود یا از سرمربیان شاغل در لیگ استفاده خواهد شد. اگر سرمربی خارجی مد نظر است ترجیح فدراسیون مربی جوان و صاحب سبک است یا ترجیح می‌دهد سرمربی خارجی صاحبنام روی نیمکت بنشیند؟ نکته دیگری که در مورد انتخاب سرمربی وجود دارد این است

که به نظر می‌رسد فدراسیون فوتبال از انتخاب سرمربی شاغل در لیگ برتر که تیم‌های پرطرفدار را هدایت می‌کند، می‌ترسد.
هجمه‌های هواداران در شبکه‌های مجازی باعث شده نه تنها فدراسیون بلکه باشگاه‌ها نیز با احتیاط بیشتری به انتخاب سرمربی بپردازند. با توجه به این موضوع بحث حضور امیر قلعه‌نویی، ژوزه مورایس و پاکو خمس که نامشان به‌عنوان گزینه سرمربیگری تیم ملی مطرح شده بود، به جای

کارلوس کی‌روش (در صورت قطعی شدن جدایی این مربی از تیم ملی که احتمالش را باید بسیار زیاد دانست) را باید منتفی دانست. گفته می‌شود احتمالاً در ۱۰ روز ابتدایی اسفند تکلیف سرمربی تیم ملی مشخص خواهد شد و باید دید نهایتاً چه کسی روی نیمکت تیم ملی خواهد نشست. باید دید در نهایت تکلیف نیمکت تیم ملی چه خواهد شد و چه کسی به جای کی‌روش روی نیمکت تیم ملی می‌نشیند.

خداحافظی غیرمحترمانه مرد بازنده برو و پشت سرت را هم نگاه نکن!

آیسان سعیدی

روزنامه‌نگار

برای ارزیابی کارنامه کارلوس کی‌روش باید مؤلفه‌های بسیاری را در نظر گرفت و به‌المان‌های متعددی اشاره کرد اما با هر متر و معیاری کی‌روش در فوتبال ایران نمره قبولی نمی‌گیرد. او طولانی‌ترین دوره حضور یک مربی را در تیم ملی ایران سپری کرده اما در نهایت در قامت یک بازنده و ناکام ایران را ترک می‌کند. او اگرچه فوتبال ایران را در ۲ دوره متوالی به جام جهانی رساند اما در جام‌های جهانی هرگز نتوانست به آرزوی دیرینه فوتبال ایران یعنی صعود به دور دوم جامه عمل بپوشاند. کاری که بقیه غول‌ها و

مدعیان آسیایی از جمله کره، ژاپن و عربستان به آن رسیده‌اند اما فوتبال ایران با تمام توانایی‌ها و استانداردها هنوز در حسرت آن باقی مانده. اگرچه در جام‌قبلی یعنی ۲۰۱۸ روسیه تیم او با صعود فاصله میلی‌متری داشت و بازی‌های آبرومندی ارائه کرد اما این آبروداری برای مردی که ۸ سال روی نیمکت یک تیم نشسته و تیم‌خودش را ساخته هرگز یک دستاورد قابل قبول نیست. در جام جهانی ۲۰۲۲ قطر نیز او وارث تیمی بود که به جام جهانی رسیده بود و جملگی مردانش شاگردان خودش بودند و البته در آسانترین گروه‌جام جهانی نیز قرار داشت اما نتوانست از این فرصت تاریخی استفاده کند و تیمش را به دور دوم برود. فراموش نکنید که در قطر فوتبال ایران نزدیکترین فاصله را به صعود داشت و برای نخستین بار با یک تساوی به دور دوم می‌رسید اما کی‌روش به‌عنوان سلطان بازی‌های تدافعی حتی نتوانست از یک حریف همسطح ایران یک تساوی ناقابل بگیرد. وری آن او در رقابت‌های جام ملت‌های آسیا نیز هرگز نتوانست به حسرت طولانی ایران برای رسیدن به جام پایان دهد. او دو دوره متوالی با تیم ملی به جام ملت‌ها رفت اما هر دوره در حسرت رسیدن به بازی پایانی بازماند. او در استرالیا ۲۰۱۵ در یک چهارم در سد عراق چغز گرفتار افتاد و حذف شد و بار دوم در امارات ۲۰۱۹ در نیمه نهایی در یک بازی بد و نومیدکننده ۳ گل از زاین خورد تا باحقارت از جام‌خداحافظی کند. در حقیقت او یک قهرمان بدون جام است؛ لقبی که منتقدان محترم او به او داده بودند.

سبک بازی‌های تیم ملی در دوران کارلوس کی‌روش یکی از انتقادات بی‌پایان در قبال او است که سرمربی تیم ملی را به‌عنوان یک متهم ابدی معرفی می‌کند و در صندلی یک محکوم می‌نشاند. کی‌روش اساساً پایبند به اندیشه‌ها و تفکرات تدافعی است و برای او حفظ دروازه خودی همیشه در درجه اول اهمیت قرار دارد. او با همین سبک در همه جای دنیا مربیگری کرده و البته همیشه هم ناکام بوده. او با همین سبک مزخرف از برتغال به‌عنوان یکی از فانتزیست‌ترین تیم‌های فوتبال قاره، یک تیم بی‌مصرف ساخت که در جام جهانی ۲۰۰۲ از جام بیرون انداخته شد. او در کلمبیا به‌عنوان یکی از تهاجمی‌ترین تیم‌های آمریکای جنوبی با سبک دفاعی محض خودش کار کرد تا در بازی برابر اکوادور رقیب دیرینه کلمبیا ۶ تایی شده و پلادریگ اخراج شود. او سپس به مصر رفت و علاوه بر ناکامی در جام ملت‌های آفریقا با مصر و نرسیدن به فینال و جام – دقیقاً همان اتفاقی که با ایران در جام ملت‌ها رخ داد – در رسیدن به جام جهانی هم با مصر ناکام بود اما بدتر از این ناکامی این بود که کی‌روش در مصر از محمد صلاح بهترین مهاجم لیگ برتر انگلیس یک مدافع ساخته بود که مجبور بود برای حفظ دروازه خودی تا محوطه جریمه مصر عقب‌نشینی کرده و تکل بزند! او در ایران هم همین سبک زشت و ملال‌آور را اجرا کرد و از ایران یک تیم دفاعی ساخت؛ تیمی که تماشای بازی‌هایش حوصله سر بر بود. تیم دفاعی ایران در دوران کی‌روش هرگز به مذاق هیچ‌کس خوش نیامد و حتی سرسخت‌ترین مدافعان وی نیز از جنس بازی تیمش راضی نبودند. عجیب اینکه کی‌روش با این سبک هم در ایران رستگار نشد و در جام جهانی با یک نمایش بد و گلباران در نهایت با سری افکنده ایران را ترک کرد.

تیچر کوچ می‌خواهیم

جلال چراغپور

کارشناس فوتبال

برای استخدام مربی جدید برای فوتبال ایران باید نخست ببینیم که چه می‌خواهیم. کمیته فنی یا هیأت رئیسه فدراسیون فوتبال باید مشخص کنند که «تیچر کوچ» می‌خواهند یا «منیجر کوچ»؟ «تیچر کوچ» همان مربیانی هستند که مثل معلم کار می‌کنند. «منیجر کوچ» همان مدیر – مربیان هستند که استعدادها را کشف می‌کنند و می‌خرند و به تیم خود می‌آورند. کی‌روش مدیر بود و می‌گفت فلان بازیکن دورگه را به ایران بیاورید. یا در منجستر استعدادها را پیدا می‌کرد. هیچ‌کس هم نمی‌دانست چرا اما او انتخاب‌های خوبی دربراه استعدادها داشت. مربی خارجی تیم ملی باید به فوتبال ایران درس بدهد. کسی را می‌خواهیم که به ما درس بدهد؛ نه اینکه نگذارد کسی تمرین را ببیند و خبرنگاران اجازه حضور در تمرین را نداشته باشند. تیم ملی ایران نیاز به یک «تیچر کوچ» دارد. این مربی باید فوتبال نوین را به مادرش بدهد. سرمربی خارجی نباید بیش از ۴۲ سال داشته باشد. باید نهایتاً ۵ سال از فوتبالش گذشته باشد و از فوتبال مدرن فاصله نگرفته باشد. نهایتاً در ۱۰ سال اخیر فوتبال بازی کرده باشد. اگر مربی آینده ما بیش از یک دهه قبل بازی کرده باشد، دانش او از مد می‌افتد. اکثر مربیانی که در جام جهانی حضور داشتند، جوان و مربوط به یک دهه اخیر بودند. باید در انتخاب مربیان از شرق یا غرب اروپا دقت کرد. باید ببینیم مربی با فرهنگ فوتبالی ما تطبیق دارد یا خیر. مثلاً می‌توانیم یک آدم دیوانه را بیاوریم و ببینیم هیچ چیز او به ما نمی‌خورد و در نهایت روی دستمان می‌ماند و ساختمان و پولمان را هم به او می‌دهیم؛ مثل ویلموتس. اول باید نیم‌رخ مربی آینده خودمان را تا حدود ۸۰ درصد

تو، یه سایه بودی…

صعود را از دور گروھی تجربه کرد، با ۲ شکست برابر انگلیس و آمریکا یکی سنگین و شرم‌آور و دیگری حیثیتی و تلخ. برای ششمین بار حذف شد. تلخ‌ترین باخت ایران در جام‌های جهانی مقابل سه‌شیرهارا رقم خورد و عدم استفاده آقای سرمربی از بازیکنانی که در چند سال اخیر توانسته بودند نمایش خوبی داشته باشند، در رقم خوردن این باخت و همچنین شکست برابر یانکی‌ها تأثیر مستقیم داشت. بدبینی‌ها و گمان‌های عجیب کی‌روش در آستانه ۷۰ سالگی چندبرابر شده بود و نتیجه‌اش شد نتایجی ضعیف، بد و شرم‌آور. کی‌روش با وجود اینکه نتوانست در سومین جام جهانی هم تیم‌را به دور دوم برساند، بازهم خلاف داخل زمین که شیفته دفاع کردن بود، حمله را در بیرون از زمین در دستور کار قرار داد و نتایج تیمش را مثل همیشه طور دیگری جلوه داد و تلاش خود را انجام داد تا شانسش را برای تداوم حضور روی نیمکت ایران زنده نگه دارد. او حتی مثل همیشه دست به‌بازارگری زد و خبر غیرواقعی مذاکره با قطر را بر سر زبان‌ها انداخت تا بلکه بتواند ایران را به تمدید قراردادش تحریک کند اما بعد از گذشت چند هفته بی‌حاصل و عدم گرفتن پالس مثبت از سوی ایران دست به انتشار پست خداحافظی از تیم ملی ایران زد و به نیمه‌دوم کاپوس وارثش پایان داد. کی‌روش رفت. اگر اتفاق عجیبی در فوتبال عجیب ایران رخ ندهد، او را دیگر دست‌کم به‌عنوان سرمربی تیم ملی نخواهیم دید. مردی که آمدنش عجیب و غیرمنطقی بود اما رفتنش کمترین انتظار از ناکام بزرگ.

محسن ذاکری

روزنامه‌نگار

داستان رفت و برگشت کی‌روش به فوتبال ایران عجیب و البته تلخ است. مردی که با تلخی با ایران وداع کرد اما هیچگاه دل از ایران نکند. او بعد از ۸ سال اگرچه در یک بامداد پاییزی چمدان‌هایش را بعد از ۸ سال بست اما درهای پشت سر او هرگز بسته نشد و باز ماند تا بعد از یک دور بی‌حاصل در کلمبیا و مصر دوباره در بزنگاه به ایران بازگردد. بازگشتی که البته هرگز سودی نداشت و ته مانده اعتبار او را از بین برد تا برای همیشه این بار چمدان‌هایش را ببندد و برود. رفتی که قطعاً این بار بازگشتی نخواهد داشت. داستان آمدن و رفتن او به فوتبال ایران در بار دوم عجیب و عبرت‌آموز است. کی‌روش شوق بی‌حدی برای تجربه کردن چهارمین جام جهانی متوالی‌اش داشت. پس تلاش‌های مستقیم و غیرمستقیمی را برای گرفتن جای دراگان اسکوچیچ شروع کرد و سرانجام با بر هم ریخته شدن فضای همبستگی درون تیم و ناراضیاتی عموم نسبت به سرمربی کروات، پیرمرد پرتغالی یه هدفش رسید و او سرمربی تیم ملی در جام بیست و دوم شد. تیم ملی در قطر ۲۰۲۲ توانست بار دیگر طعم پیروزی را بچشد اما در سالی که می‌شد

ا و لـین

ایران

ورود به برزخ

تیم ملی فوتبال ایران در طول چند ماه گذشته و بخصوص پس از اتمام جام جهانی ۲۰۲۲ قطر حواشی مختلفی را پشت سر گذاشت. با خداحافظی مرد پرتغالی با فوتبال ایران فدراسیون دیگر هیچ گزینه احتمالی هم برای نیمکت تیم ملی ندارد. به نوعی می‌توان گفت کی‌روش با انتشار پست خداحافظی‌اش تیم ملی را به یک برزخ برد؛ برزخی که با توجه به اولویت‌های دیگر فدراسیون فوتبال نسبت به انتخاب سرمربی به نظر می‌رسد همچنان ادامه داشته باشد. در حالی که تیم ملی زمستان سال آینده میلادی که جام ملت‌های فوتبال آسیا به میزبانی قطر را در پیش دارد همچنان کارش را بدون سرمربی ادامه دهد، بدون شک خبر خوبی برای فوتبال ایران نخواهد بود. این خبر زمانی ترسناک‌تر می‌شود که بدانیم با ادامه تعلل فدراسیون در انتخاب سرمربی، امکان از دست رفتن فیفادی فروردین برای ملی‌پوشان وجود دارد، زیرا تیم ملی در حال حاضر هیچ کادرفنی ندارد که بگوییم آنها در نبود سرمربی کار را جلو می‌برند و برنامه‌ریزی می‌کنند. یک تیم بدون کادر فنی و بدون صاحب. این برزخ به نظر حال‌احلاها ادامه دارد و قرار نیست به این زودی پایان پذیرد.

2

3